

خطر اندیشه‌ی فمینیستی و نهادهای آن بر خانواده وزن

(ترجمه)

امروزه اندیشه‌ی فمینیسم (جنبش زن‌محور) در سراسر جهان گسترش یافته است؛ از جمله در جهان اسلام و با شعارهایی؛ چون: «برابری جنسیتی»، «مبارزه با زن‌ستیزی (میزوژینی)» و «ردّ نظام مردسالار و ساختارهای قدرت» شناخته می‌شود. به تدریج، فعالان فمینیست در میان زنان مسلمان نیز جایگاهی برای خود یافته‌اند. بسیاری از حاکمان سرزمین‌های اسلامی نیز با این جریان برخوردی مثبت و پذیرنده داشته‌اند و کوشیده‌اند تا برخی از مفاهیم آن را در سیاست‌های رسمی دولت بگنجانند.

برای نمونه، در اردن، در پایان ماه جنوری ۲۰۲۲، مجلس نمایندگان با اصلاحاتی در قانون اساسی موافقت کرد. در ماده‌ی ششم این قانون آمده است: «اردنی‌ها در برابر قانون برابرند و هیچ تفاوتی میان آنان از نظر حقوق و تکالیف وجود ندارد، هرچند در نژاد، زبان یا دین متفاوت باشند». در حالی که نسخه‌ی پیشین قانون اساسی تنها به عبارت «شهروندان اردنی» اکتفا کرده بود. این تغییر، در هماهنگی با هدف رسمی دولت اردن برای دستیابی به «برابری جنسیتی تا سال ۲۰۳۰» صورت گرفته است.

گسترش اندیشه‌های فمینیستی در جهان اسلام برای فمینیست‌ها و دولت‌های غربی امری بسیار مهم و راهبردی به‌شمار می‌آید؛ زیرا شمار زنان مسلمان در سراسر جهان به حدود ۸۰۰ میلیون نفر می‌رسد و شماری از سازمان‌های فمینیستی در خاورمیانه فعالیت دارند، در حالی که بخش عمده‌ی آن‌ها در آسیا و هند متمرکزند. بی‌تردید، رواج این شبکه‌ی فمینیستی در جهان اسلام را نمی‌توان جدا از افول فهم درست امت از اسلام دانست. هرگاه اندیشه‌ی اسلامی در میان امت تضعیف شود، پیامد آن افزایش رفتارهای نادرست با زنان است، به جای آن‌که زن را مورد حمایت، تکریم و مراقبت قرار دهد. این عقب‌نشینی از فهم اصیل اسلام، زمینه‌ساز بروز رفتارهای زن‌ستیزانه و ظلم‌های مردانه علیه زنان می‌گردد؛ رفتارهایی که هیچ ارتباطی با تعالیم اسلام ندارند. بسیاری از این اعمال، آمیخته با رسوم قبیلوی و فرهنگ‌های محلی‌اند که به نادرستی با اسلام درهم‌آمیخته و به آن نسبت داده می‌شوند. درست همین امر است که باعث رنج و ستم مضاعف بر زنان مسلمان می‌شود.

تا چندی پیش، در شماری از سرزمین‌های اسلامی هنوز ممنوعیت‌های برای تحصیل زنان در مکاتب و پوهنتون‌ها وجود داشت و همچنین اشتغال زنان در بخش‌های دولتی؛ مانند: آموزش، بازارها، خدمات ملکی یا فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، ممنوع یا به شدت محدود بود. دولت‌های غربی، سازمان ملل و جریان‌های فمینیستی، از این وضعیت بهره بردند تا اسلام را دینی زن‌ستیز معرفی کنند. آنان این واقعیت‌های اجتماعی را به گونه‌ی بی‌چارچوب‌بندی کردند که گویا تعالیم اسلام خود حاوی نفرت از زنان است و نظام مردسالاری را توجیه می‌کند، به مرد حق سلطه بر زن می‌دهد و مقام زن را پایین‌تر از مرد قرار می‌دهد. در نتیجه، این افول درک درست از اسلام در میان مسلمانان، سبب شد برخی افراد بخواهند از تعالیم اسلامی فاصله بگیرند و احساس کنند که اسلام جای امنی برای زن نیست. چنین تصویری در ذهن بسیاری شکل گرفت که اسلام مروج فرهنگ مردسالاری، زن‌ستیزی، سلطه‌جویی و تبعیض جنسیتی است.

در نهایت، زنان و جوامع اسلامی، گام به گام به پذیرش افکار فمینیستی نزدیک شدند تا آن‌جا که بسیاری از آنان شروع کردند به مطالبه‌ی برابری جنسیتی به همان شکلی که فمینیست‌ها آن را طراحی و برنامه‌ریزی کرده‌اند. این انقلاب زنانه در جهان اسلام با پاسخ مثبت و حمایت گسترده‌ی جنبش‌های فمینیستی غربی روبه‌رو شد و پژواک آن در سراسر جهان طنین انداخت. در این میان، موارد خشونت علیه زنان؛ چنان‌که در ایران، افغانستان و برخی سرزمین‌های اسلامی دیگر مشاهده می‌شود، به عنوان ابزار تبلیغاتی علیه اسلام به کار گرفته شد. فمینیست‌ها با برجسته‌سازی نام برخی از زنان مسلمان، آنان را به عنوان نماد «آزادی زن از سیاست‌های سرکوبگر» در جهان اسلام معرفی کردند. به تدریج، این جنبش فمینیستی توانست جایگاهی در میان زنان مسلمان برای خود بیابد.

فعالان فمینیست از این موج جدید با عنوان «بهار عربی زنان» یاد می‌کنند و از عربستان سعودی به عنوان نمونه‌ی شاخص از کشوری در خاورمیانه یاد می‌نمایند که درهای خود را به سوی فرهنگی بازتر نسبت به زنان گشوده است. در عربستان، زنان نه تنها اجازه یافتند (پس از سال‌ها

ممنوعیت) رانندگی کنند، بلکه دولت این کشور برگزاری کنسرت‌ها، نمایش‌های موسیقی و رویدادهای گسترده‌ی را مجاز دانست که در آن‌ها اختلاط زن و مرد صورت می‌گیرد.

افزون بر آن، عربستان اعلام کرد که پوشیدن عبایه (لباس بلند سنتی که از سر تا پا بدن را می‌پوشاند) دیگر برای زنان اجباری نیست. در سال ۲۰۲۱، ساحل «بیور بیج» در شهر جدّه در کناره‌ی دریای سرخ افتتاح شد تا به‌عنوان نخستین ساحل عربستان، اجازه‌ی پوشیدن بیکیفی برای زنان را بدهد؛ اقدامی که بسیاری آن را نماد آشکار نفوذ فرهنگ فمینیستی و غربی در جامعه‌ی اسلامی دانستند.

نقش سازمان ملل و کشورهای غربی

عامل مهم دیگری که پیشرفت اندیشه‌ی فمینیستی در سرزمین‌های اسلامی را تشویق و تسریع کرده، حمایت بی‌قید و شرط دولت‌های غربی است. دولت‌هایی؛ چون: ایالات متحده، بریتانیا و آلمان همراه با نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل از راه برنامه‌های همکاری و توسعه، کوشیده‌اند تا مفاهیم فمینیستی را به درون قلب جهان اسلام وارد کنند.

سازمان ملل برای پشتیبانی از جنبش‌های فمینیستی، مبالغ هنگفتی را هزینه کرده‌است. در سال ۲۰۲۳ این سازمان بودجه‌ی اضافی پی‌معادل ۳۶۰ میلیارد دلار امریکایی در سال به برنامه‌هایی اختصاص داد که هدف آن‌ها تحقق برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان است. این بودجه به‌عنوان بخشی از برنامه‌های جهانی توسعه‌ی پایدار تا سال ۲۰۳۰ تعریف شده‌است.

اهداف اصلی این طرح در گزارشی با عنوان «پیشرفت در اهداف توسعه پایدار: نگاهی جنسیتی به سال ۲۰۲۳» تشریح شده‌است؛ گزارشی که به‌صورت مشترک توسط «نهاد زنان سازمان ملل» و «اداره‌ی امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد» تهیه گردید.

این گزارش در واقع نشان می‌دهد که فمینیسم دیگر صرفاً یک جنبش فرهنگی یا اجتماعی نیست، بلکه به ابزاری رسی در سیاست بین‌الملل و راهبرد نفوذ در جوامع اسلامی تبدیل شده‌است تا از رهگذر شعارهایی چون «برابری جنسیتی» و «توانمندسازی زنان»، ساختارهای دینی، خانوادگی و اخلاقی در این جوامع به‌تدریج دگرگون گردد.

در ماه مارچ سال ۲۰۲۴، سازمان ملل کشور عربستان سعودی را برای ریاست «مجمع حقوق زنان و برابری جنسیتی» در کمیسیون وضعیت زن سازمان ملل برگزید. خیرگزاری رسمی عربستان اعلام کرد که: «کمیسیون وضعیت زن در سازمان ملل، با اجماع اعضای خود تصمیم گرفت عربستان سعودی را برای ریاست دوره‌ی شصت‌وهم کمیسیون در سال ۲۰۲۵ میلادی انتخاب کند.» این تصمیم، هرچند با مخالفت‌های گسترده از سوی نهادها و سازمان‌های فعال در زمینه‌ی حقوق زنان روبه‌رو شد، اما دولت عربستان بر تمایل خود برای همکاری نزدیک با کمیسیون وضعیت زن سازمان ملل در چارچوب «چشم‌انداز جدید» خود تأکید کرد. خیرگزاری عربستان در توضیح این موضع نوشت: «ریاست عربستان بر کمیسیون، تأییدی است بر تعهد این کشور به همکاری با جامعه‌ی جهانی در هر زمینه‌ی که موجب تقویت حقوق زنان و توانمندسازی آنان شود.»

همچنین، سازمان‌های غیردولتی مدافع حقوق زن و ترویج‌کننده‌ی اندیشه‌های فمینیستی به‌صورت فزاینده‌ی در کشورهای اسلامی گسترش یافته‌اند. در تونس، «مرکز زن عرب برای آموزش و پژوهش (کوثر)» در سال ۱۹۹۳ تأسیس شد. این مرکز در زمینه‌های پژوهش، آموزش، ایجاد شبکه‌های اجتماعی و ترویج گفتمان‌های فمینیستی فعالیت می‌کند. در لبنان، سازمانی با نام «کفی» (کفی عنف واستغلال) پدید آمد که تمرکز آن بر مبارزه با خشونت و بهره‌کشی از زنان است. در مصر، «انجمن توسعه و توانمندسازی زنان» بنیان گذاشته شد که هدف آن افزایش مشارکت زنان در حیات اقتصادی و اجتماعی بر پایه‌ی الگوهای غربی است. در اردن نیز از سال ۱۹۷۰ «جمعیت زنان عرب اردن» فعالیت خود را آغاز کرده‌است و در همکاری نزدیک با نهادهای بین‌المللی، برنامه‌های برای برابری جنسیتی و اصلاح قوانین خانواده فعالیت می‌کند. در امارات متحده‌ی عربی، «بنیاد دویی برای حمایت از زنان و کودکان» تأسیس شد؛ این نهاد نخستین پناهگاه و مرکز حمایتی غیرانتفاعی رسی در امارات است که وظیفه‌ی آن اسکان و مراقبت از زنان و کودکان آسیب‌دیده عنوان شده‌است.

همچنین ابتکار اسلامی زنان برای معنویت و برابری (وایز) وجود دارد که برای تقویت برابری میان زن و مرد به عنوان یک ارزش اساسی در عقیده‌ی اسلامی فعالیت می‌کند، و این بدین معناست که انکار این حقوق، نقض اصول دینی به شمار می‌رود. سازمان وایز در سال ۲۰۰۶ در شهر نیویورک به عنوان شبکه‌ی جهانی با صبغه‌ی دینی و به عنوان جنبش عدالت اجتماعی از سوی ۲۰۰ تن از فعالان و رهبران برجسته مسلمان از ۲۵ منطقه تأسیس گردید و سازمان متذکره (وایز) در مصر نیز فعالیت کرده‌است. این سازمان در پاکستان با همکاری بیداری (Bedari) کارزارهایی برای آگاهی‌بخشی در باره‌ی خشونت خانوادگی اجرا کرد و در افغانستان با سازمان آموزشی و توسعه‌ی ظرفیت‌ها (NEDCO) همکاری نمود که یک نهاد غیردولتی است و هدف آن آموزش امامان در باره‌ی حقوق زنان می‌باشد. در قاره‌ی آفریقا، به ویژه در کشور مراکش، انجمن دموکراتیک زنان مراکش (ADFM) شکل گرفت که در زمینه‌ی تقویت حقوق و منافع راهبردی زنان، همچنین در زمینه‌ی ترویج برابری میان زن و مرد، عدالت جنسیتی و حفاظت از محیط زیست فعالیت می‌نماید.

این سازمان‌های غیردولتی برای کاشتن اندیشه‌های فمینیستی در میان زنان و جامعه گسترده‌تر فعالیت می‌کنند، از طریق نشر دیدگاه‌ها در شبکه‌های اجتماعی، وب‌نوشت‌ها، وب‌سایت‌های گوناگون و همچنین برگزاری نشست‌ها و گفت‌وگوهای آزاد به صورت مستقیم یا از طریق تلویزیون و رسانه‌های اینترنتی. بی‌گمان مرجع فکری جنبش فمینیستی در جهان اسلام، حقوق بشر بر پایه دیدگاه تمدن غربی است؛ دیدگاهی که بر این اصل تأکید دارد که هر انسان، چه زن و چه مرد، از حق اساسی در انتخاب و برخورد برابر برخوردار است، و هیچ طرفی، از جمله دین نباید انسان را مجبور یا مرعوب سازد، زیرا پذیرش دین از حقوق انسانی شمرده می‌شود و امری اختیاری است نه التزامی. از این رو فمینیست‌ها آنچه انجام می‌دهند مایه‌ی افتخار خود می‌دانند و آن را تلاشی برای بازتفسیر یا بازسازی تعالیم اسلامی معرفی می‌کنند تا از دید آنان حقوق بشر برای زن تأمین گردد، چراکه این فمینیست‌ها گمان می‌برند تعالیم اسلامی آکنده از گرایش‌های جنسیتی است. به باور آنان، علمای بزرگ اسلامی که میراث‌های سترگ علمی برای امت پدید آورده‌اند، به سبب روح نظام مردسالارانه‌ی بی‌بی که به زعم آنان در آثارشان وجود دارد، موجب تحریف حقوق زن شده‌اند. از این رو باید این میراث بازسازی گردد تا با حقوق زن سازگار شود. بر پایه همین دیدگاه، لازم است قوانین از نو بازنویسی شوند، از جمله قوانین مربوط به پوشش اسلامی، ارث، حقوق و وظایف همسر، چندهمسری و نیز منع زن از تصدی ریاست دولت. همه‌ی این‌ها به ادعای آنان به سود زن است. با استفاده از روش تأویلی، فمینیست‌ها تأکید می‌کنند که تعالیم دینی امری ذهنی است نه عینی. بدین سان حقیقت دینی از نظر آنان نسبی است نه مطلق.

سازمان ملل: حقوق بشر برای جامعه‌ی همجنس‌گرایان

غرب تلاش می‌کند تا زیر پوشش حقوق بشر، فرهنگ جامعه‌ی همجنس‌گرایان (LGBTI) را به زور وارد جهان اسلام کند، و سازمان ملل صدای پیشتاز جهان در زمینه‌ی توسعه و حمایت از این جامعه به شمار می‌رود. در ماه اکتبر سال ۲۰۱۵، در حاشیه‌ی مجمع عمومی سازمان ملل، دوازده نهاد وابسته به این سازمان خواستار پایان دادن به خشونت و تبعیض علیه همجنس‌گرایان زن و مرد، دوجنس‌گرایان، دگرجنس‌گونه‌ها و افراد میان‌جنسی (LGBTI) شدند و مجموعه‌ی اقدامات لازم برای حمایت از آنان را تعیین کردند. از میان ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل متحد، تنها ۷۶ کشور حقوق جامعه‌ی همجنس‌گرایان را نمی‌پذیرند، در حالی که ازدواج همجنس‌ها در ۲۰ کشور قانونی است.

چارلز رادکلیف، رئیس بخش مسائل بین‌المللی در دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، این تصمیم را «پیروزی بزرگی» توصیف کرد و گفت: «این تصمیم بیانگر تعهد نهادهای سازمان ملل است و دعوتی قاطع از دولت‌های سراسر جهان برای تلاش بیشتر در مقابله با خشونت، ترس از همجنس‌گرایان، تبعیض و نقض حقوق دوجنس‌گرایان و دگرجنس‌گونه‌ها به شمار می‌رود.»

سازمان ملل همچنین کشورهای اسلامی را که به بدنام‌سازی همجنس‌گرایان می‌پردازند، مورد انتقاد قرار داده‌است. برای نمونه، در سال ۲۰۱۹، این سازمان دولت برونئی را به سبب اجرای مجازات سنگسار برای همجنس‌گرایان محکوم کرد. آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل گفت: «قوانینی که در برونئی به تصویب رسیده‌اند، آشکارا اصولی را نقض می‌کنند که پیش‌تر بر آن‌ها تأکید شده بود.» با آن‌که همه‌ی کشورهای اسلامی از نظر قانون اساسی فعالیت‌های جامعه‌ی همجنس‌گرایان را ممنوع کرده‌اند، حضور این گروه در شماری از این کشورها با نوعی مدارا همراه است. برای

مثال، اندونیزیا هنوز ازدواج همجنس‌ها، چه زن و چه مرد، و نیز دوجنس‌گرایان و دگرجنس‌گونه‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد، اما اعضای این جامعه در رفت‌وآمد آزادند، نشست‌ها و گفت‌وگوها و برنامه‌های تبلیغی خود را به‌طور مکرر برگزار می‌کنند، و هرچند نیروهای امنیتی چندین بار جشن‌های آنان را مورد یورش قرار داده‌اند، هیچ اقدام قانونی جدی علیه متخلفان انجام نشده‌است. در مصر نیز، به‌گفته‌ی انجمن غیردولتی «الاحباء»، هزاران همجنس‌گرا زندگی می‌کنند و شهر قاهره مقر اصلی بیشترین تعداد اعضا در مقایسه با سایر ولایت‌هاست، که شمار آنان حدود هفت هزار نفر برآورد می‌شود.

مقابله با خطر

شکی نیست که جنبش فمینیستی و جنبش همجنس‌گرایان با شریعت اسلامی در تعارض‌اند، و افزون بر آن، هر دو زندگی انسانی را در معرض خطر قرار می‌دهند. حقیقت این است که اسلام دروازه‌های خود را در برابر این دو جریان بسته است. در خود ایالات متحده نیز مخالفت والدین با کارزارهای جامعه‌ی همجنس‌گرایان در مدارس رو به افزایش است، زیرا بسیاری از نوجوانانی که فریب خورده و تن به جراحی‌های تغییر جنسیت داده‌اند، در نهایت گرفتار افسردگی می‌شوند و از آن‌که تحت تأثیر و ترغیب بزرگسالان به تغییر جنسیت کشانده شده‌اند، پشیمان‌اند. شریعت غرای اسلامی رابطه‌ی میان مرد و زن را به‌گونه‌ی سامان داده‌است که هدف آفرینش آن دو محقق گردد. الله سبحانه و تعالی فرموده‌است:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [الروم: ۲۱]

ترجمه: و از نشانه‌های او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا نزد آنان آرام بگیرید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد؛ در این نشانه‌ها عبرت‌هایی است برای گروهی که می‌اندیشند.

و نیز الله سبحانه و تعالی فرموده‌است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ [النساء: ۱]

ترجمه: ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید، آن‌که شما را از یک تن آفرید و از او همسرش را پدید آورد و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکند. و از الهی بترسید که به نام او از یکدیگر درخواست می‌کنید، و از بریدن پیوند خویشاوندی بپرهیزید؛ بی‌گمان الله (سبحانه و تعالی) بر شما نگهبان است.

در حقیقت، جنبش‌های فمینیستی و جنبش‌های جامعه‌ی همجنس‌گرایان در سراسر جهان در جهت نابودی ارزش‌های انسانی، روحی و اخلاقی عمل می‌کنند و به نظام اجتماعی، به‌ویژه نهاد خانواده، آسیب می‌زنند. جنبش فمینیستی که ادعا می‌کند برای ارتقای جایگاه زن تلاش می‌کند، در واقع زنان را گرفتار افسردگی بیشتری کرده‌است؛ بسیاری از زنانی که برای تحقق خود در بیرون از خانه کار می‌کنند با مشکلات فراوانی روبه‌رو هستند: از آزارهای جنسی گرفته تا افسردگی و فروپاشی خانواده.

آیا الله سبحانه و تعالی ما را از این وضعیت هشدار نداده‌است؟ زمانی که انسان از فرمان‌ها و نهی‌های پروردگار سرپیچی کند، به دام نابودی می‌افتد که خود آن را ساخته‌است. الله سبحانه و تعالی فرموده‌است:

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ [الروم: ۴۱]

ترجمه: تباهی در خشکی و دریا به‌سبب آنچه دست‌های مردم به‌دست آورده‌اند آشکار شد، تا خدا به آنان بچشاند بخشی از آنچه کرده‌اند، شاید بازگردند.

در ادامه، شماری از خطرهایی که در نتیجه‌ی کارزارهای فمینیستی و جنبش جامعه‌ی همجنس‌گرایان در سراسر جهان، جامعه و زنان را تهدید می‌کند، بیان می‌شود.

• ویران‌سازی نظام خانواده

جنبش فمینیستی و جامعه‌ی همجنس‌گرایان باعث از میان رفتن هماهنگی و آرامش خانوادگی در جامعه شده‌اند. بسیاری از زنان امروز چنین می‌پندارند که جایگاه‌شان به‌عنوان همسر نباید محدود یا زیر سلطه‌ی شوهرانشان باشد. همچنین گروهی از زنان بر این باورند که در اداره‌ی خانواده، از جمله در کسب معاش، همان حقوقی را دارند که مردان دارند. شمار قابل‌توجهی از زنان نیز بارداری، شیردهی و تربیت فرزندان را نه وظیفه‌ی طبیعی بلکه صرفاً حقی شخصی برای خود می‌دانند، که می‌توانند از آن چشم‌پوشند.

این نگرش‌ها سبب بروز کشمکش‌های فراوان در درون خانواده‌ها شده‌است. از سوی دیگر، همین وضعیت موجب گردیده‌است که بسیاری از زنان پیش از ازدواج چند بار در تصمیم خود تجدیدنظر کنند، زیرا نگران‌اند که نتوانند به آن‌گونه که تصور فمینیستی اقتضا می‌کند، حقوق و خواسته‌های خویش را تحقق بخشند.

• کاهش نرخ ازدواج و زاد و ولد

در بسیاری از کشورها نرخ ازدواج به‌طور چشمگیری کاهش یافته‌است. در اندونزی، میزان ازدواج در سال ۲۰۲۳ به شدت پایین آمد و تنها به حدود ۱٫۵۷ میلیون مورد رسید، در حالی که در سال ۲۰۲۲ این رقم ۱٫۷ میلیون بود و نرخ ازدواج در سال ۲۰۲۳ پایین‌ترین میزان از سال ۱۹۹۸ به‌شمار می‌رفت. فراتر از عوامل اقتصادی، بسیاری از مردان و زنان ازدواج را به تأخیر می‌اندازند یا اساساً از آن سر باز می‌زنند. به باور آنان، ازدواج امری ضروری نیست، بلکه ممکن است مانعی در مسیر تحصیل، پیشرفت شغلی و تحقق فردی باشد. نکته‌ی تأسف بار آن است که در مقابل کاهش ازدواج، شمار روابط نامشروع رو به افزایش است. هزاران دانشجوی اندونیزیایی به‌دلیل ازدواج، تقاضای معافیت از ادامه‌ی تحصیل کرده‌اند، و علت اصلی این امر وجود روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج و حتی بارداری‌های ناخواسته است. این وضعیت افزون بر گسترش پدیده‌ی سقط جنین، موجب افزایش بیماری‌های مقاربتی نیز شده‌است.

• تنش و آزار جنسی در میان زنان شاغل

جنبش فمینیستی که بسیاری از زنان را به فعالیت بیرون از خانه تشویق کرده‌است، در واقع تهدیدهای جدی برای خود زنان شاغل پدید آورده‌است. بر پایه‌ی گزارش مؤسسه‌ی «گالوپ» در سال ۲۰۲۱، میزان تنش در محیط کار بر زنان بیش از مردان تأثیر می‌گذارد و به ۵۴ درصد رسیده‌است. در همین حال، طبق نظرسنجی‌پی که توسط شبکه‌ی خبری PBS NewsHour، رادیوی ملی آمریکا (NPR) و مؤسسه‌ی Marist انجام شد، یک‌سوم زنان اعلام کرده‌اند که در محل کار خود مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند. همچنین بر اساس یک بررسی آنلاین که در جنوری ۲۰۲۱ از سوی سازمان غیردولتی غیرانتفاعی Stop Street Harassment انجام شد، ۸۱ درصد از زنان گفته‌اند که در محیط کارشان قربانی آزار جنسی بوده‌اند.

• گسترش بیماری‌های مقاربتی و سرطان مقعد

با آن‌که بسیاری این واقعیت را انکار می‌کنند، اما همجنس‌گرایان نمی‌توانند منکر شوند که شیوع ویروس نقص ایمنی انسانی (HIV/AIDS) از درون حلقه‌ی آنان آغاز شد. در ایالات متحده، آمارها نشان می‌دهد که ۶۷ درصد از کل موارد شناسایی‌شده‌ی ابتلاء به ویروس HIV/AIDS در میان همجنس‌گرایان مرد، دوجنس‌گرایان و مردانی بوده‌است که با مردان دیگر رابطه‌ی جنسی داشته‌اند. افزون بر این، همجنس‌گرایان در معرض خطر ابتلاء به سرطان مقعد با احتمالی میان ۲۰ تا ۸۰ برابر بیش از سایر افراد قرار دارند.

از کشفیات تازه و تکان‌دهنده در زمینه‌ی انتقال بیماری آبله‌ی میمون این است که این بیماری عمدتاً در میان کسانی مشاهده می‌شود که روابط همجنس‌گرایانه دارند. طبق گزارش سازمان جهانی بهداشت، از میان پنصد مورد ثبت‌شده، ۹۸ درصد از مبتلایان افرادی بودند که روابط جنسی همجنس‌گرایانه، دوجنس‌گرایانه یا رابطه با مردانی داشته‌اند که با مردان دیگر رابطه جنسی برقرار می‌کنند.

پاسخ به مشکلات

اکنون زمان آن فرا رسیده که امت اسلامی خطر جنبش فمینیستی و جنبش همجنس‌گرایان را به‌طور جدی درک کند؛ این دو جریان آشکارا با تعالیم اسلام در تضادند و به زندگی مسلمانان و بلکه به کل بشریت آسیب می‌رسانند. همه‌ی نظریه‌ها و کارزارهای آنان در باب «حقوق بشر»، چه درباره‌ی فمینیسم و چه درباره‌ی جامعه‌ی همجنس‌گرایان، سخنان پوچ و مسمومی هستند که هیچ خیری برای زنان، برای خانواده و برای انسانیت در بر ندارند.

هیچ ایدئولوژی دیگری جز اسلام توان رویارویی با فساد این دو حرکت را ندارد؛ تنها اسلام است که دیدگاه درست نسبت به زندگی را داراست و برای بشریت نظامی هماهنگ و متعادل به ارمغان می‌آورد، زیرا همه چیز در آن بر پایه‌ی عقیده‌ی اسلامی بنا شده‌است؛ عقیده‌ی که با فطرت انسان سازگار است و عقل را قانع و قلب را آرام می‌سازد.

گام ضروری امروز برای امت آن است که اسلام را به‌عنوان نظامی کامل و فراگیر برای زندگی گسترش دهد، و از جمله روشن سازد که رابطه‌ی میان مرد و زن در اسلام نه بر پایه‌ی نظام مردسالار و نه بر محور زن‌ستیزی است، بلکه زندگی زن و مرد بر ایمان و تقوا استوار است، چنان‌که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«إتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ» (رواه مسلم)

ترجمه: از الله (سبحانه و تعالی) درباره‌ی زنان تقوا کنید.

اسلام، زن را «ناموس» می‌داند که بر مرد، جامعه و دولت واجب است آن را پاسداری و صیانت کنند. الله سبحانه و تعالی به مردان فرمان داده‌است که با همسران خویش به‌نیکی رفتار کنند، چنان‌که می‌فرماید:

﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۝﴾ [النساء: ۱۹]

ترجمه: و با آنان به‌نیکی معاشرت کنید.

علاوه بر این، بر مسلمانان لازم است که احکام اسلامی مربوط به روابط با زنان را به‌درستی و به‌طور کامل درک کنند؛ خواه این رابطه با مادر باشد، یا همسر، یا خواهر، یا دختر، و یا زن به‌طور عام، زیرا اسلام رهنمودهایی برای زندگی آورده‌است که در آن زن گرامی داشته شده و از او حمایت می‌شود. همچنین باید دانست که در پیشگاه الله سبحانه و تعالی، مرد و زن در تکلیف و ارزش انسانی برابرند. بسیاری از احکام اسلامی میان مرد و زن در تکلیف تفاوتی نمی‌گذارند؛ مانند: وجوب نماز، روزه، طلب علم، و دعوت به دین و غیره.

اما در اموری که به طبیعت و نقش خاص هر یک از آن دو مربوط می‌شود، اسلام احکامی ویژه و حکیمانه وضع کرده‌است. برای نمونه، نفقه‌ی خانواده بر عهده‌ی مرد است نه زن و نیز اسلام به زن به‌عنوان مادری گرامی و مدیر خانه نگریسته و به او وظیفه‌ی طبیعی پس از بارداری و زایمان، یعنی شیر دادن و پرورش فرزند را سپرده‌است.

همچنین بر امت لازم است درک کند که اسلام نیازی به بازسازی یا بازنگری در تعالیم خود ندارد، نه در عقیده و نه در شریعت، زیرا دینی است کامل و جامع. وضعیت نابسامانی که امروز زنان در آن به‌سر می‌برند، نتیجه‌ی اجرای احکام اسلامی نیست، بلکه برخاسته از انحرافات است که اسلام هرگز آن را نمی‌پذیرد. محروم‌سازی زن از مشارکت در عرصه‌های عمومی؛ مانند: بازارها، پوهنتون‌ها و مکاتب و مدارس، دیدگاهی نادرست و ناسازگار با اسلام است. در حقیقت، زنان در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم حضوری نظام‌مند و منضبط در کنار مردان داشتند، اما بر پایه‌ی شرایطی متفاوت با آنچه امروز در جوامع لیبرال غربی رواج دارد.

همچنین ضروری است که امت، همه‌ی توطئه‌هایی را که از سوی غرب و ابزارهای آن مانند سازمان ملل، نهادهای غیردولتی گوناگون و حاکمان مزدور در جریان است، به‌روشنی دریابد. اینان با سیاست‌هایی که هیچ‌گونه حمایتی از زن به‌همراه ندارد، عملاً نظام زندگی امت را نابود می‌کنند و در همکاری با یکدیگر می‌کوشند تا از راه مهندسی اجتماعی، ساختار جامعه‌ی اسلامی را از درون فرو ریزند؛ نخست در سطح خانواده و سپس در سطح فرد، از طریق برنامه‌های موسوم به «برابری جنسیتی» و اعطای حقوق به اعضای جامعه‌ی همجنس‌گرایان.

مهم‌تر از همه، امت باید دریابد که فساد گسترده‌ی که امروز دامن‌گیر مسلمانان، از جمله زنان شده‌است. نتیجه‌ی نبود زندگی اسلامی و نابودی نظام زندگی برآمده از شریعت، به‌دست مزدوران غرب در جهان اسلام است و در نتیجه، تباهی در پی تباهی پدید آمده‌است. افسوس که برخی از مسلمانان نیز به پیروی از روش و سبک زندگی کافران روی آورده‌اند، چنان‌که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«لَتَتَّبِعَنَّ سَنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ شِبْرًا بِشِبْرٍ وَذِرَاعًا بِذِرَاعٍ، حَتَّى لَوْ دَخَلُوا فِي جُحْرٍ ضَبَّ لَاتَّبَعْتُمُوهُمْ قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى قَالَ فَمَنْ» (رواه مسلم)

ترجمه: بی‌گمان شما سنت‌ها و روش‌های کسانی را که پیش از شما بودند گام‌به‌گام پیروی خواهید کرد، یک ذرع به یک ذرع و یک بند به یک بند؛ تا آن‌جا که اگر آنان در لانه‌ی چلیپاسکی پنهان شوند، شما نیز آنان را دنبال خواهید کرد. گفتیم: ای رسول الله صلی الله علیه وسلم! آیا مقصود یهود و نصاری هستند؟ فرمودند: پس دیگر چه کسانی؟

همچنین باید آگاه ساخت که کارزارهای به‌اصطلاح «حقوق بشر» در زمینه‌ی فمینیسم و جامعه‌ی همجنس‌گرایان جز یاوه‌گویی چیزی نیستند؛ زیرا فمینیست‌ها در حالی که خود را مدافع حقوق زنان و کودکان می‌دانند، در برابر نسل‌کشی و قتل‌عام کودکان و زنان در غزه خاموش مانده‌اند. این دو گروه، زنان و کودکان که بزرگ‌ترین قربانیان وحشی‌گری نظامی رژیم یهود بوده‌اند، خاموشی اختیار کردند. با این همه، فمینیست‌هایی که ادعای حمایت از آنان را دارند، سکوت را برگزیده‌اند. این همان نفاق آشکاری است که چهره‌ی واقعی این جنبش را برملا می‌سازد.

افزون بر این، مردم باید درک کنند که آنان به دولت خلافت نیاز دارند، زیرا خلافت همان نظام اجرایی برای تحقق زندگی اسلامی است؛ همه‌ی احکام اسلام تنها در سایه‌ی دولت خلافت قابلیت اجرا دارند، از جمله این‌که همین خلافت است که احکامی را به اجرا درمی‌آورد که زن را حمایت می‌کند و علیه کسانی که در حق او مرتکب جرم می‌شوند. حتی اگر پدر، شوهر یا پسرش باشند. اقدام می‌نماید.

پس از الله سبحانه و تعالی مسألت می‌کنیم که ما را در ادامه‌ی مسیر جهاد و کوشش برای برافراشتن کلمه‌ی او یاری رساند تا زندگی اسلامی با برپایی دولت خلافت تحقق یابد؛ دولتی که مردمان را حمایت کند و امنیت را در میان همه‌ی مردم از جمله زنان برقرار سازد. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«إِنَّمَا الْإِمَامُ جُنَّةٌ يُقَاتِلُ مِنْ وَرَائِهِ وَيُتَّقَى بِهِ، فَإِنْ أَمَرَ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَعَدَلَ كَانَ لَهُ بِذَلِكَ أَجْرٌ، وَإِنْ يَأْمُرُ بِغَيْرِهِ كَانَ عَلَيْهِ مِنْهُ» (رواه مسلم)

ترجمه: به‌راستی امام، سپری است که از پشت سر او جنگیده می‌شود و مردم به او پناه می‌برند؛ پس اگر به تقوای الله (سبحانه و تعالی) فرمان دهد و دادگر باشد، از این کار پاداش دارد، و اگر به غیر آن فرمان دهد، گناهش برگردد اوست.